

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

هادی نجفی

علامه مجلسی رحمته الله بزرگ احیاء گر حدیث شیعی

اجمالی از شخصیت علمی، اجتماعی و فرهنگی علامه مجلسی رحمته الله

مرحوم علامه مجلسی رحمته الله شخصیتی بی نظیر است و متأسفانه بعضی افراد به همین اندازه نسبت به او دچار کم لطفی شده اند. این روش برخورد با این مرد بزرگ موجب تألم خاطر شده و دل انسان را به درد می آورد.

علامه مجلسی رحمته الله بنا بر نقلی در بیست و هفتم ماه رمضان سال ۱۰۳۷ قمری متولد و در همین روز از سال ۱۱۱۰ ق در سن هفتاد و سه سالگی وفات کرد. او در طول این عمر میراثی گرانمایه به یادگار گذاشته است.

برخی برای او نزدیک به هزار شاگرد شمرده اند. علامه سید نعمت الله جزایری رحمته الله گفته: «أنه خَصَنِي مِنْ بَيْنِ تِلْمِذَتِهِ مَعَ أَنَّهُمْ كَانُوا يَزِيدُونَ عَلَي الْأَلْفِ»^۱ علامه مجلسی رحمته الله مرا از شاگردان خصوصی خود قرار داده بود و متجاوز از هزار شاگرد داشت. علامه جزایری رحمته الله خود انسانی فرهیخته و درس خوانده است ولی به شاگردی مجلسی افتخار می کند.

علامه مجلسی رحمته الله در مدت بیست سال پایانی عمر خود شیخ الاسلام صفویه بود؛ این جایگاه بالاترین مقام روحانی در دستگاه سلطنت و حکومت صفوی است؛ یعنی او حائز مرجعیت رسمی بوده و دولت نیز ایشان را پذیرفته بود و همه دستوراتش را تمکین می کرد به گونه ای که حکم شیخ الاسلام بر همه نافذ بوده است. این نفوذ حکم حتی شامل شاه و سلطان هم می شده است.

علامه مجلسی رحمته الله در طی این مدت بیست ساله وظایفی مهم و وقت گیر را از طرف حکومت عهده دار شد؛ ولی با این حال فعالیت های علمی گسترده ای داشته است. گفته می شود که او هر صبح پس از تدریس به مسجد جامع اصفهان رفته و به رفع دعاوی و فصل خصومت و حل اختلافات بین مردم مشغول می شد و هنگام ظهر به منزل باز می گشت؛ البته صبح و شب در مسجد جامع اصفهان اقامه جماعت داشته است. او در ماه مبارک رمضان به تبلیغ و ارائه منبر پس از اقامه نماز ظهر در مسجد جامع

۱. الانوار النعمانية، ج ۳، ص ۲۵۶.

می پرداخت و تفسیر قرآن می گفت.

شاگردش می گوید: علامه مجلسی رحمته الله در تفسیر قرآن به آیه ﴿كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ وَجْهَ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ﴾^۲ رسید، و این آخرین آیه ای بود که تفسیرش کرد. او پس از آن، به تصحیح صحیفه سجّادیه علیه السلام می پرداخت و در روز پایانی عمرش دعای توبه صحیفه سجّادیه علیه السلام (ظاهراً دعای ۳۱ صحیفه باشد) را تصحیح و ترجمه کرد. علامه رحمته الله پس از این کار به خانه بازگشت و در آنجا از دنیا رفت، لذا ایشان تا لحظه آخر همه وظایف خود اعم از اقامه جماعت، بیان تفسیر، تصحیح و ترجمه صحیفه سجّادیه علیه السلام و... را انجام داده است.

علامه مجلسی رحمته الله در همه علوم اسلامی دست داشته؛ بلکه در برخی از آنها تخصصی تام داشته است. شاهد بر این مطلب تألیفات و تصنیفات او در این زمینه است؛ ولی او در علم فلسفه تألیفی ندارد هرچند که بی اطلاع و ناآشنا از آن هم نیست، ولی گویا در سنین نوجوانی از جانب ملاصدرا اجازه روایت دارد؛ اما اینکه شاگرد ملاصدرا بوده، ثابت نشده و اطلاعی از آن نداریم؛ چرا که وقتی ملاصدرا از دنیا می رود، علامه رحمته الله در سنین نوجوانی بوده است.

شاهد بر اینکه علامه رحمته الله دانش فلسفه را نزد استاد خوانده است بیاناتی می باشد که در مجلد السماء و العالم بحار (مجلدات ۶۴-۵۴) آورده است. ایشان در آنجا آراء و نظریات فلاسفه را به دقت تقریر می کند؛ لکن مناقشه کرده و نظرات آنها را نمی پذیرد؛ بنابراین معلوم می شود که علامه مجلسی رحمته الله از دانش فلسفه بهره داشته هرچند که تألیفی در آن ندارد.

قله آثار علامه مجلسی رحمته الله و شناخت و معرفی آن

بزرگترین فعالیت علامه رحمته الله در باب حدیث، بلکه قله آثار او کتاب شریف بحارالانوار است؛ متأسفانه برخی افرادی که دستی از دور بر آتش دارند نسبت به این کتاب دچار کم لطفی شده اند. باید گفت: اگر کسی در باب احادیث قلم زده و کار کرده باشد متوجه اهمیت و طاقت فرسابودن فعالیت علامه مجلسی رحمته الله در این زمینه می شود. بنده در سال ۲۰۰۳ میلادی موسوعه احادیث اهل البیت علیهم السلام را در ۱۲ مجلد در بیروت به چاپ رساندم که تاکنون سه مرتبه چاپ شده است و بیش از پانزده هزار حدیث را دربر دارد؛ تدوین این موسوعه را با وسایل ارتباطی آن روز و به تنهایی انجام دادم که مدت ده سال به طول انجامید به گونه ای که در ایام غیر درسی به آن مشغول بودم. کتاب بحارالانوار علامه مجلسی رحمته الله ده برابر این موسوعه است که با وسایل و امکانات آن روزگار نگاشته شده و از طرفی هم علامه رحمته الله تدوین این کتاب را در کنار فعالیت های اجتماعی وقت گیر و کارهای علمی دیگرش به انجام رسانده است. بر این

۲. سوره الرحمن، آیه ۲۶ و ۲۷.

اساس طبیعتاً باید نگارش و تدوین کتاب بحارالانوار بیش از یکصد سال به طول می‌انجامید. علامه مجلسی قدس سره تألیفات فراوان دیگری به زبان‌های عربی و فارسی دارد، به‌عنوان نمونه شرح کتاب کافی کلینی با نام مرآة العقول در ۲۶ مجلد و شرح تهذیب شیخ طوسی با نام ملاذ الاخیار در ۱۶ مجلد از ایشان به چاپ رسیده است. او نثر فارسی را به اندازه‌ای زیبا می‌نگاشته که هنوز هم پس از حدود سیصد سال برای مردم قابل فهم و استفاده است. نثر عربی او نیز به اندازه‌ای قوت دارد که برخی عرب زبان‌های مقتید به غلط‌گیری از تألیفات عجم هم نتوانسته‌اند از او اشتباهی بگیرند؛ لذا معلوم می‌شود که او در نگارش و قلم عربی و فارسی دارای تبخر بوده است. متأسفانه برخی افراد نسبت به کتاب بحارالانوار علامه مجلسی قدس سره دچار کم لطفی شده‌اند و گمان کرده‌اند که او صرفاً احادیث را از یک کتاب و نسخه به یک مجموعه منتقل کرده است؛ لکن باید گفت: هنوز برخی از مصادر و منابع کتب ایشان و نسخ خطی که در اختیار داشته طبع نشده و به دست ما هم نرسیده است.

از طرف دیگر هم علامه قدس سره در بحارالانوار صرفاً به نقل روایت نپرداخته بلکه او خلل موجود در اسناد را متذکر شده و اصلاح کرده و سند را به نحو کامل آورده است. ایشان لغات مشکل یک روایت را معنا می‌کند، و اگر روایتی نیاز به توضیح داشته باشد آن را هم بیان می‌کند. برخی از بیانات او در ذیل روایات به مراتب از متن روایت بیشتر است. لذا بحارالانوار بزرگترین دایرةالمعارف حدیثی شیعه است که توسط علامه مجلسی قدس سره تدوین و نگاشته شده است.

مقایسه کتب حدیثی با بحارالانوار

چهار کتاب حدیثی اول شیعه عبارت است از کافی، من لایحضره الفقیه، تهذیب و استبصار. کتاب شریف کافی تألیف شیخ کلینی قدس سره (م ۳۲۹ ق) در پانزده مجلد^۳ به چاپ رسیده است و دارای حدود شانزده هزار و دویست حدیث می‌باشد، که تألیفش مدت بیست سال طول کشیده است. کتاب من لایحضره الفقیه تألیف شیخ صدوق قدس سره (م ۳۸۱ ق) در چهار مجلد به چاپ رسیده و کتاب تهذیب در ده مجلد و استبصار در چهار مجلد هر دو اثر شیخ طوسی قدس سره به چاپ رسیده، جمع این کتب اربعه در چاپ امروزی به سی‌وسه مجلد رسیده است.

چهار کتاب حدیثی دوم شیعه عبارت است از: وافى، وسائل الشیعة، مستدرک الوسائل و جامع احادیث الشیعه.

کتاب وافى اثر ملا محسن فیض کاشانی قدس سره - از مشایخ اجازه مجلسی دوم قدس سره - است؛ ولی در آن

۳. چاپ مؤسسه دارالحدیث قم.

هیچ روایت جدیدی وجود ندارد بلکه تمامی آن برگرفته از کتب اربعه است. فیض کاشانی قدس سره در وافی به جمع‌آوری این احادیث براساس تبویب جدید خودش پرداخته که با گذشت بیش از سیصد سال از تألیف آن، چندان محل مراجعه و اقبال نبوده و در بیست‌وشش مجلد متأسفانه بدون قسمت خاتمه که در آن مرحوم فیض متعرض ذکر مشیخه شیخ صدوق قدس سره در کتاب من لایحضره الفقیه و شیخ طوسی قدس سره در دو کتاب تهذیب و استبصار شده، چاپ گردیده است.

ناگفته نماند که برخی از نسخی که فیض کاشانی قدس سره در اختیار داشته بسیار دقیق بوده است. برای نمونه محقق خویی قدس سره در برخی روایات کافی که دارای چند نسخه بوده است، نسخه مطابق با وافی را ترجیح می‌داده‌اند.

علامه مجلسی قدس سره کتاب بحارالانوار را در بیست و پنج جلد تألیف کرده که در یکصد و ده جلد به چاپ رسیده که در مقایسه با کتب اربعه افزایش سه برابری دارد. این در حالی است که علامه مجلسی قدس سره تقیّدی به گردآوری همه احادیث کتب اربعه را در کتابش نداشته است؛ چه بسا ممکن است نیمی یا کمتر از نیمی از احادیث کتب اربعه در بحارالانوار نباشد.

از آنجایی که علامه قدس سره کتب اربعه را در دسترس عموم می‌دانسته لذا تقیّدی به جمع‌آوری احادیث آنها نداشته است بلکه او احادیث غیر کتب اربعه را جمع‌آوری کرد. ایشان در ابتدای بحارالانوار به ذکر و معرفی مصادر و منابع خود می‌پردازد، لذا فعالیت و هنر علامه مجلسی قدس سره آن است که روایات اهل بیت علیهم السلام را از هر کجا که امکان داشته جمع‌آوری و تبویب و تدوین کرده و بسیاری از آنها را توضیح داده و به بیان آنها همت گمارده است.

دفاع از بحارالانوار

متأسفانه برخی از دوستانِ روشنفکر معتقدند روایاتِ بحار از نظر سندی ضعیف است در حالی که باید گفت: حتی در کافی شریف - مهم‌ترین و اصلی‌ترین کتاب حدیثی - روایاتِ ضعیف هم وجود دارد. ناگفته نماند که تفاوت ما با اهل سنت آن است که ما هیچ کتاب صحیحی غیر از قرآن نداریم ولی آنها چندین کتاب صحیح دارند به گونه‌ای که اگر آیه‌ای از قرآن با روایتی در کتب صحاح ایشان - مثل صحیح بخاری - معارض باشد، آیه را تأویل می‌کنند.

از طرف دیگر نمی‌توان گفت که اگر روایتی از نظر سند صحیح باشد حتماً محتوا و متن و دلالتش محکوم به صحت است، و برعکس چه بسا روایتی دارای سندی نباشد - مثل احادیث در نهج البلاغه - ولی محتوایی صحیح بلکه عالی داشته باشد.

به دیگر سخن نمی‌توان گفت که اگر روایتی دارای سندی صحیح باشد حتماً دارای دلالتی صحیح و

تمام است. برای نمونه روایت مطلق بودن امام حسن (علیه السلام) - که در کافی با سندی صحیح نقل شده است -^۴ کذب بودن مدلولش بسیار واضح است و معلوم است که از مجعولات معاویه علیه الهاویه و بنی امیه علیهم لعنة اللاعنین می باشد.

نمونه دوم، روایت ورود سلمان بر حضرت زهرا (علیها السلام) است که گفت: دیدم رنگ رخسار حضرت به زردی گراییده بود، هر چند این روایت دارای سندی صحیح است؛ لکن محقق خویی (قدس سره) فرموده با آنکه سند این روایت صحیح است ولی متن و مدلولش قابل پذیرش نیست؛ چون نمی توان پذیرفت که سلمان صورت حضرت زهرا (علیها السلام) را دیده باشد.

تفحص و دقت علامه مجلسی (قدس سره) در نقل روایات بحار و تنظیم و توضیح آنها جای بسی شگفتی دارد. یکی دیگر از کتب حدیثی اربعه ثانویه، وسائل الشیعه شیخ حر عاملی (قدس سره) در سی مجلد به چاپ رسیده که صرفاً به نقل روایات فقهی پرداخته است. این کتاب دارای تبویب دقیق و منظم است و مرجع رسمی فقها می باشد.

یکی دیگر از کتب حدیثی اربعه ثانویه، مستدرک الوسائل تألیف حاجی نوری (قدس سره) (م ۱۳۲۰ ق) است. او شخصیت جلیل القدری می باشد. ایشان در مستدرک به نقل روایات فقهی بحار پرداخته و احادیث را براساس کتاب وسائل تبویب نموده و در سی مجلد به چاپ رسیده است.

یکی دیگر از کتب حدیثی اربعه ثانویه، جامع احادیث الشیعه است که تحت نظر مرجع الطائفة آية الله العظمی حاج آقا حسین بروجردي (قدس سره) تدوین شد و در سی و یک مجلد به چاپ رسید. دیگر کتب حدیثی هم وجود دارند که از ذکر آن خودداری می کنم.

علامه مجلسی (قدس سره) در قلّه علم حدیث

می بینیم که علامه مجلسی (قدس سره) در قلّه علم حدیث است و به همین جهت مورد اِتهام و بی مهری و حمله قرار می گیرد. مرحوم علامه محقق سید مصلح الدین مهدوی (قدس سره) در کتاب زندگینامه علامه مجلسی (قدس سره)، یکصد و شصت و چهار تألیف برایش می شمارد. حجة الإسلام آقای سید احمد سجادی حفظه الله فرمودند: ما در کتاب شناسی مجلسی (قدس سره) به یکصد و هشتاد و اندی عنوان کتاب دست یافتیم.

علامه مجلسی (قدس سره) و غنیمت دانستن فرصت ها

علامه مجلسی (قدس سره) لحظه ای از وقت خود را تلف نمی کرد به گونه ای که نقل شده حتی در مهمانی ها هم مشغول به تألیف و تحقیق بود؛ لذا اینکه برخی گفته اند: اگر مذهب شیعه جعفری را مذهب مجلسی بنامیم گزافه نگفته ایم، صحیح است؛ هر چند ممکن است گوینده این سخن قصد تخریب مذهب را داشته

۴. الکافی، ج ۱۱، ص ۴۶۷، ح ۴ و ۵ (ج ۶، ص ۵۶).

باشد ولی واقعاً علامه مجلسی قدس سره خدمات بی حد و حصری به مذهب تشیع ارائه کرده است.

ابهت سیاسی و اخلاقی علامه مجلسی قدس سره

علامه مجلسی قدس سره تا وقتی که زنده بود پایه‌های حکومت صفوی نیز محکم بود. در سال وفات علامه مجلسی قدس سره هرات سقوط کرد و این به معنای آن است که تا وقتی که او در قید حیات بوده ابهتش - علی رغم سستی و فتور شاه سلطان حسین - موجب بقای حکومت صفوی بوده است، و با وفات او، حکومت هم متزلزل شده و شهر قندهار سقوط می‌کند و کسانی مثل محمود افغان و اشرف افغان به فکر می‌افتند که می‌توان حکومت صفوی را ساقط کرد.

شخصیت اخلاقی مجلسی قدس سره به گونه‌ای است که یک خلاف عرف از او گزارش نشده است. بله او در اصفهان برای نهی از منکر به شکستن بت هندوها اقدام کرده است. در پایان باید گفت: نمی‌توان علامه مجلسی قدس سره را در یک مجلس معرفی کرد و خدمات او را شرح و توضیح داد؛ بلکه خدماتش به اسلام و مذهب تشیع بی‌نظیر است.

آبرومندی علامه مجلسی قدس سره در نزد پروردگار

امروز نیز حتی قبر علامه مجلسی قدس سره محل برآورده شدن حوائج و استجابت دعاست. این مطلب امری معروف و مجرب می‌باشد. این مقام و جلالت قدر برای علامه مجلسی قدس سره به خاطر آبرومندی او در نزد پروردگار است.

و صلی الله علی محمد و آل محمد.